انترناسیونال ۴۵۵

اصغر کریمی

**در میانه راه یک مبارزه مهم**

در حاشیه آکسیون های ۲۶ مه

روز ۲۶ مه در تقریبا ۲۰ شهر آکسیون هائی علیه فتوای قتل شاهین نجفی و در دفاع از آزادی بیان و نقد و هجو مذهب سازمان داده شد. ابتکارات بسیار جالب سازماندهان این آکسیون ها و جوانان شرکت کننده در آنها و سخنرانی های پرشور سخنرانان توجه زیادی را به خود جلب کرد، اما نکته محوری و مهمی که وجه مشترک همه این آکسیون ها بود تعرض آشکار و خیابانی به مذهب بود. مستقیما علیه مقدسات مذهبی و آخوند و فتوا و امام و همه مزخرفاتی بود که ایدئولوژی جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی بر آن سوار است. و دقیقا نکته اینجا است که حمله مستقیم و رادیکال به مذهب به عنوان ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی یک شرط مهم آزادیخواهی و رهائی از شر این حکومت و خرافات و کثافاتی است که به سر و روی جامعه پاشیده است. همانطور که باید به فاشیسم و نژادپرستی در آلمان و آفریقای جنوبی تعرض میشد باید به اسلام هم تعرض شود. کاریکاتور و طنز و شعرهای فکاهی و فیلم و کلیپ های انتقادی و هزار کار دیگر بخشی ضروری و اجتناب ناپذیر از مبارزه ای است که علیه ایدئولوژی های حاکم و برای بزیر کشیدن آنها ساخته میشود. امام و قرآن و هزار مزخرف دیگر پرچمی است در دست جمهوری اسلامی که به آن مجوز جنایت میدهد. و شما نمیتوانید از کنار آن بگذرید باید آبروی آنرا ببرید و این اتفاقی است که دارد می افتد.

اولین بار بود که در خارج کشور آکسیون ها مستقیما حمله به این ایدئولوژی و تقدساتش بود و اهمیت زیادی در پس زدن نه فقط این ایدئولوژی و جمهوری اسلامی بلکه در عقب راندن جنبش ملی اسلامی و کل طیف راست و چپی داشت که در مقابل این تقدسات لکنت زبان میگیرد. اما لازم است تاکید کنم که این شروع یک مبارزه نبود. نوک کوه بسیار عظیم جنبشی بود که سال ها است جمهوری اسلامی را در مخمصه ای عمیق قرار داده است. مخمصه ای که از آن جان سالم به در نخواهد برد.

یکی از مهمترین پایه های این ایدئولوژی حجاب است که جمهوری اسلامی در جنگ با زنان و نسل جوان بر سر آن به سختی شکست خورده است. اینرا ما کمونیست ها و بیخدایان و مخالفین مذهب نمیگوئیم اینرا مقامات رژیم هرروز اعتراف میکنند. قیافه ایران بعد از جمهوری اسلامی و یا حتی در روزهای اوجگیری انقلاب برای سرنگونی را از همین الان میتوان بخوبی مشاهده کرد. مهم نیست که هنوز درصدی از جامعه به حجاب پایبند است. همیشه یک قشر پیشرو سرنوشت جامعه را تعیین کرده است و این یک قشر در ایران امروز چندین میلیونی است.

فرهنگ حاکم بر فضای جوانان و پدیده داشتن دوست پسر و دختر مربوط به هشتاد تا نود در صد نسل جوان است. آماری که بعضا مقامات رژیم به آن اذعان میکنند. فرهنگی که در سال های گذشته از حالت زیرزمینی خارج شده و به روی زمین آمده است. از نظر فرهنگی این یعنی پایان دخالت مذهب در یکی از مهمترین بخش های زندگی جامعه. عرصه ای که با هیچ قیمتی قابل برگشت نیست.

تکلیف نماز و روزه و سایر مزخرفات مذهبی هم روشن است. چندی قبل نماینده نهاد خامنه ای در دانشگاه الزهرا اقرار کرد که "علیرغم حجم زياد مبلغين خانم (منظورش همان خواهر زینب ها است) در جامعه تعصبات دينی خانم ها در سطحی بوده كه دختران جامعه را به ‌سمت دين ‌زدگی سوق داده‌اند، چرا كه ديد جوان‌ امروزی با يك بانوی مبلغ متفاوت است و به راحتی مسايل را نمی ‌پذيرد. اگر در بحث پوشش حجاب با دختران از ديد تعصب و مذهب سخن بگوييم كه بايد حجاب داشته باشيد، نمی پذيرند. باید از دید روانشناسی با آنها صحبت کرد!" و یکسال قبل معاون اطلاعات سپاه فجر استان فارس اعتراف کرد که "تهران در زمینه استفاده از سایت های غیر اخلافی مقام اول را در میان ۱۸۲ کشور جهان دارد". یکی از استادان حوزه علمیه نیز گفت که "موبايل و اينترنت يك محيط اجتماعی غيرقابل كنترل است و كاری مي‌كند كه مذهب و فرهنگ جوانان و نوجوانان ما از آنها ربوده شود كه خانواده‌ها بايد در اين زمينه هوشيار باشند". همین فرد گفته بود که نسل دوم ستون فقرات اسلامی ها ضعیف ترین حلقه بوده است بعبارتی نسل دوم حامیان اصلی حکومت و آخوندها و خرمذهبی ها هم از دین برگشته است. دیگر مقامات و امام جمعه ها نیز از تاثیرات مخرب ماهواره ها که دین و ایمان مردم را میگیرد صحبت میکنند و علیرغم اینهمه صرف پول و نیرو و زندان و شلاق و جریمه در همه این عرصه ها بطور فاحشی شکست خورده اند. این یک جنبش عظیم در "ام القرای اسلام" است که گوشه ای از قدرت خیابانی خود را در عاشورای ۸۸ به دنیا نشان داد. ایران صحنه هجوم عظیم ضد اسلامی مردم خواهد بود اینرا منصور حکمت به درست ۱۳ سال قبل در مصاحبه با رادیو همبستگی گفت. این جنبشی است که اسلام را به حیات خلوت مسلمین روانه خواهد کرد و اکنون ۱۳ سال پس از این مصاحبه بخش دیگری از این مسیر را جامعه پیموده است. آکسیون های ۲۶ مه این جنبش گسترده و عمیق در ایران را در خارج کشور نمایندگی کرد. و این تاثیرات سیاسی مهمی در فضای اپوزیسیون و رسانه های دست راستی داشت. حزب کمونیست کارگری سازمانده اکثر این آکسیون ها بود و قاطعانه برای آن تلاش کرد. جای سوال و تاسف است که بخش اعظم اپوزیسیون نسبت به این آکسیون ها سکوت مطلق کرد.

بررسی فضائی که در سه هفته اخیر، یعنی از زمان اعلام فتوا علیه شاهین نجفی تا ۲۶ مه در فضای اپوزیسیون و رسانه ها شکل گرفته است برای نشان دادن وضعیت اپوزیسیون بسیار جالب است. همگان شاهد بودند که چگونه جریانات مختلف اپوزیسیون یکی پس از دیگری با بیعلاقگی و بعضا از سر ناچاری و با تاخیر یک هفته ای اطلاعیه دادند و فتوا را محکوم کردند و یا از آزادی نقد مذهب دفاع کردند. اینجا وارد محتوای این اطلاعیه ها نمیشوم، بلکه میخواهم قدرت این جنبش و فشارش را روی اپوزیسیون راست و میانه و چپ سنتی یادآور شوم. چنان این فشار زیاد بود که حتی برخی شخصیت های ملی اسلامی هم مجبور به دادن اطلاعیه ای شدند و تندتر از حد مرسوم خود به فتوا حمله کردند و بعضا توهین به این مقدسات را هم حق مردم دانستند. بی بی سی و صدای آمریکا بارومتری بود که بخوبی فشار جنبش ضداسلامی مردم را نشان داد. از اینکه آهنگ شاهین نجفی توهین بوده یا نه شروع کردند و فقط ظرف چند روز و برای جبران افتضاحی که بار آورده بودند، به مساله آزادی بیان و حتی آزادی نقد مذهب رسیدند. اما جنبش ضد مذهبی مردم ایران چنان روحیه تعرضی دارد و به پیش میتازد که هیچ جریان سرنگونی طلبی نمیتواند خود را به کوچه علی چپ بزند و نسبت به آن بی تفاوت باشد. این یکی از مهمترین عرصه های مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی است که ملی اسلامی ها را هم توی سوراخ میکند. اما تا جائی که به بخشی از جریانات چپ مربوط میشود، ظاهرا هنوز اینرا حالی نشده اند که نمیتوان آزادیخواه بود و با ایدئولوژی حاکم مماشات کرد و یا بعنوان یک مساله فرعی و حاشیه ای با آن طرف شد. اینرا همه باید بدانند که کسی که به ایدئولوژی حاکم تعرض نمیکند، باید نه تنها در آزادیخواهی بلکه در ادعای سرنگونی طلبی اش هم شک کرد.

و بالاخره در طول سه هفته اخیر آزادی بی قید و شرط و آزادی نقد و هجو مذهب به اندازه سالها جلو رفت و اهمیت خود را به طیف وسیعی نشان داد. این یکی از بندهای "برنامه یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری است و حزب در طول این جدال سیاسی و ایدئولوژیک آنرا برافراشته تر کرد. آیا هنوز هم کسی در این شک دارد که اگر ایرانی غیر اسلامی و آزادی بی قید و شرط بیان و نقدو هجو مذهب میخواهد باید حزب کمونیست کارگری را تقویت کند؟